

همانند کردن چیزی به چیز دیگر را تشبیه گویند. من می‌خواهم زلف یار را که سیاه است توصیف کنم، پس می‌گویم زلف یار من سیاه است ولی می‌خواهم این سیاهی خوب در ذهن خواننده مجسم شود پس در ذهن خود می‌گردم تا چیزی پیدا کنم که در سیاهی معروف‌تر و ثابت‌تر باشد و می‌گویم زلف یارم چون شب سیاه است.

هر تشبیه از چهار رکن تشکیل می‌شود:

- ۱ زلف که در ابتدا دیده شده است: مشبّه
- ۲ با دیدن زلف به یاد شب افتادم: مشبّه‌به
- ۳ وجه مشترک زلف و شب در سیاهی هر دو است: وجه شبه
- ۴ هر کلمه‌ای که معنی (مثل و مانند) بدهد: ادات تشبیه

مثال:

و او به شیوه‌ی باران پراز طراوت بود.

مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه

مشایخ چو دیوار مستحکم‌اند کامل کنید. (.....)(.....)(.....)(.....)

ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد»

«گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم

ادات تشبیه: چو

وجه شبه: کریم

مشبّه‌به: نخل

مشبّه: (ت) تو

ادات تشبیه:

وجه شبه:

مشبّه‌به:

مشبّه:

شادابی بوستان و سرو سمنی»

«آینه‌ی باران و بهار چمنی

فهرست کتاب آرزوهای منی»

«بیرون ز تو نیست آنچه می‌خواسته‌ام

در شعر بالا شاعر مخاطبش را به فهرست کتاب آرزوهایش شبیه کرده است اما دو رکن از ارکان چهارگانه‌ی تشبیه را نیاورده است. وقتی که شاعر وجه شبه را ذکر نکند «تشبیه بلیغ» به‌وجود می‌آید. دو رکن اصلی تشبیه (مشبّه) و (مشبّه‌به) است.

مثال:

روی ماهت را می‌بوسم (رویبت که مانند ماه زیباست می‌بوسم)

مشبّه مشبّه‌به مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه

ایر بغضم می‌خواهد بترکد. در نقطه‌چین‌ها، جای مشبّه و مشبّه‌به را مشخص کنید.

(.....)(.....)

درخت دوستی ما همیشه پابرجا باد.

(.....)(.....)

«دیده از بس گهر اشک به دامانم ریخت / در شب هجر تو شرمنده احسانم کرد»

(.....)(.....)

باران اشکم می‌رود و ز ابرم آتش می‌جهد

(.....)(.....)